مسافرت تاریخی تاگور، فیلسوف و شاعر هندی، به ایران

ضیایی، محمد صادق

در سال 1311 شمسی،دولت ایران از رابیندرانات تاگور،شاعر و فیلسوف مشهور هندی، دعوت کرد تا به ایران مسافرت نماید.تاگور با قبول این دعوت،روز بیست و پنجم فروردین‏ماه‏ آن سال از راه بوشهر وارد ایران شد و تا هنگام‏ مراجعت به هندوستان که قریب چهل روز طول‏ کشید،مهمان دولت ایران بود.شرح این مسافرت‏ تاریخی را دانشمند و استاد فقید دکتر عیسی‏ صدیق در جلد دوم خاطرات زندگی خود که‏ یادگار عمر نام دارد،نگاشته است.

بنابر نوشته‏ی وی،تاگور در مدت اقامت خود در ایران،از آثار تاریخی شهرهای اصفهان و شیراز بازدید کرد و چند سخنرانی در وزارت‏ فرهنگ و انجمن ادبی ایران و کالج البرز ایراد نمود که بسیار مورد توجه و تحسین حضار واقع‏ گردید.سپس به مناسبت هفتاد و دومین سال تولد وی،از طرف هیأت دولت و انجمن ادبی ایران به‏ نحو شایسته‏یی از شخصیت جهانی و مقام علمی‏ وی تجلیل شد.تاگور در سی‏ام اردیبهشت‏ماه‏ 1311 خاک ایران را به قصد هندوستان ترک کرد و در سال 1320 شمسی در هشتاد سالگی در زادگاه خود جهان را بدرود گفت.

در مدت اقامت‏ تاگور در ایران، عده‏یی از علما و دانشمندان سرشناس‏ ایرانی نیز با وی‏ ملاقات کردند،از جمله‏ی علمای‏ مزبور،یکی هم استاد فقید ابو عبد اللّه‏ زنجانی،پدر نگارنده‏ و مؤلف کتاب مشهور تاریخ القرآن بود. تاگور ضمن آشنایی‏ با آن مرحوم،جمله‏ی‏ حکمت‏آمیزی هم در چند سطر به زبان‏ انگلیسی در دفتر یادبود ایشان نگاشته‏

ترجمه:

حکمت،حاصل پخته شدن عقل در عشق است.

رابیندرانات تاگور؛11 مه 1932

این نکته را هم باید اضافه کرد که دو قطعه عکس جالب از مسافرت تاریخی تاگور به ایران هم در دست است که یکی عکس‏ تاگور را با جمعی از استادان و دانشجویان مدرسه‏ی عالی حقوق و دومی عکس فیلسوف هندی را با عده‏یی از دانشمندان و نویسندگان‏ مشهور معاصر ایرانی مانند عباس اقبال و ملک الشعرای بهار و علی‏ دشتی و...نشان می‏داد.برابر توضیحات دکتر محمد حسن گنجی، استاد ممتاز دانشگاه تهران،از جمله‏ی افرادی که در آن عکس دیده‏ می‏شوند،محسن اسدی بیرجندی‏ست که در ایام توقف تاگور در ایران،در تمامی سخنرانی‏ها و مصاحبه‏های تاگور مترجم رسمی وی‏ بوده است.

در خاتمه به مناسبت نامی که از استاد ملک الشعرای بهار به میان‏ آمد،متذکر می‏گردد آقای سید ابو الفضائل مجتهدی که خویشاوندی‏ نزدیکی با یک‏دیگر داریم و مرد فاضل و دانشمندی هستند و پس از پیروزی انقلاب مدتی هم سفیر کبیر ایران در هندوستان بودند، چندی قبل پس از ملاحظه‏ی خط و امضای تاگور،یک بیت شعر ملک الشعرا درباره‏ی تاگور را به یاد آورده و قرائت کردند که با تشکر از ایشان به عنوان حسن ختام،پایان‏بخش این مختصر قرار می‏گیرد. ملک الشعرا در وصف تاگور چنین گفته است:

چشم من از دیدن او نور دید راضیم از دیده کو تاگور دید